

فراموشی ویروسی کشنده تر از کرونا



مهرزاد شفیق پور

برای از دست دادن در برابر ویروس کشنده کرونا ندارد. ویروس کشنده فراموشی جمعی و بی تدبیری چندین دهه است که همه چیز ما را گرفته است. سالهاست که ویروس بی اعتمادی، خود خواهی، انزوا، استبداد در بین ما ساری و جاریست. در این خود خواهی تا جایی پیش رفته ایم که دیگر حتی به فردیت و هستی خود نیز رحم نمی کنیم.

در این مقطع تاریخی شیوع ویروس کرونا یک مسئله را در مورد جامعه فعلی ایران نمایان تر کرد و آن این که اعضای جامعه امروز ایران در سایه گسل بین ملت و دولت، مسئولیت اجتماعی و حس دگرخواهی را که هیچ؛ مرزهای خودخواهی را نیز زیر پا گذاشتند.

در این مقطع از تاریخ، شیوع ویروس کرونا یک مسئله را در مورد جامعه ما ایران نمایان تر کرد و آن مسئله این است که اعضای جامعه امروز ایران در سایه گسل بین ملت و دولت، مسئولیت اجتماعی و حس دگرخواهی را که هیچ؛ مرزهای خودخواهی را نیز زیر پا گذاشتند.

حافظه فردی و جمعی لازم و ملزوم هم اند. تنهایی و حس فراموشی سالهاست که بر فضای اجتماعی جامعه ایران و تک تک اعضای آن مستولی شده است. ما خیلی وقتهاست مبتلا به ویروس خطرناک تر از کرونا بنام ویروس فراموشی و خودخواهی شده ایم. بر اثر این ویروس همه چیزمان را به بوته فراموشی و ضمیر ناخودآگاه مان سپرده ایم.

روح جامعه ایران سالهاست مرده است و کالبد آن چیزی

خود قرار گرفته است و دست یابی به آن سالها نیازمند صرف وقت زیاد و سرمایه های دیگر جامعه می باشد.

در واقع جامعه ما دچار نوعی انحراف چوله ای شده؛ یعنی هم افراد و هم جامعه هر دو بیمارند. این وضعیت نمایانگر این است که سالهاست

افراد به حال خود رها گشته و به تربیت اجتماعی افراد و تولید سرمایه اجتماعی بها داده نشده و افراد در جامعه بیماری زندگی می کنند که نتیجه اش چیزی جز بی هنجاری و تلف شدن سرمایه های انسانی، مادی در غیاب و فروریختن سرمایه اجتماعی جامعه در برداشته است.

لذا خطرناک تر از هر ویروس ساری چون کرونا، ویروس فراموشی و از خود بیگانگی است. زیرا خود خواهی و از خود بیگانگی حد و مرزی دارد که جامعه ما امروزه این مرزها را در هم نوردیده و بر لبه پرتگاه ایستاده است.

چون در زیر سایه بی اعتمادی دولت و ملت و ضعف سرمایه اجتماعی کشور شیرازه تنظیم اجتماعی از هم گسیخته شده و نفوذ نظارت کننده ها بر گرایش های فردی کارایی خود را از دست داده اند.

افراد به حال خود رها گشته و در این وضعیت ناهنجاری اعضای جامعه در برابر منفعت عامه و حتی خودخواهانه به بی تفاوتی و به سمت نوعی بی هنجاری در برابر خواسته های دگر خواهانه و حتی خود خواهانه سوق داده می - شوند زیرا از مفهوم زندگی در جامعه ایران برای اکثریت اعضای آن چیزی جز سراب و رنج باقی نمانده است.

در نتیجه امروزه بخش قابل توجهی از اعضای جامعه ایران با سرشت اصلی و زیستی خود با مشکل مواجه شدند و از سرشت خود وامانده اند؛ چه رسد به این که به سرشت اجتماعی و دگرخواهانه فکر کنند.

در واقع جامعه ما دچار نوعی انحراف چوله ای شده؛ یعنی هم افراد و هم جامعه هر دو بیمارند. این وضعیت نمایانگر این است که سالهاست افراد به حال خود رها گشته و به تربیت اجتماعی افراد و تولید سرمایه اجتماعی بها داده نشده و افراد در جامعه، بیماری زندگی می کنند که نتیجه اش چیزی جز بی هنجاری و تلف شدن سرمایه های انسانی و مادی در غیاب و فروریختن سرمایه اجتماعی جامعه در برداشته است.

در نتیجه امروزه بخش

قابل توجهی از اعضای جامعه ایران با سرشت اصلی و زیستی خود با مشکل مواجه شدند و از سرشت خود وامانده اند؛ چه رسد به این که به سرشت اجتماعی و دگرخواهانه فکر کنند.

سرمایه ای که در هر جامعه ای نشان دهند میزان اعتماد، همکاری و روابط متقابل بین اعضای یک گروه یا جامعه بوده به نحوی که گروه یا جامعه را به سمت دستیابی به اهدافی مشترک بر مبنای ارزش ها و معیارهای رایج در جامعه که مثبت تلقی شوند، هدایت می کند.

سرمایه ای که در مواقع بحرانی چون این روزهای سخت در مبارزه با کرونا می توان از آن به عنوان اصلی ترین منبع حل این مسئله سود برد. اما دریغ که امروزه این سرمایه در بین دولت و ملت و اعضای جامعه در پایین ترین سطح